



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/نوافل/صلاة وتیره

بخشان در نماز وتیره بود، در این مورد آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه مطالبی داشتند؛ اول اینکه فرمودند هر کدام از نوافل امر مستقلى دارند و اجزاء مأمور به نیز معلوم و مشخص است و اگر کسی بخواهد آن را انجام بدهد باید کامل با تمام اجزایش بجا بیاورد و اگر بعضی از اجزاء را بجا بیاورد کافی نیست و به آن فضیلت و ثوابی که مترتب بر مأمور به است نخواهد رسید.

مطلب دوم که ایشان مطرح کرده در باب نماز غفيله است که ما بعدا مفصلا درباره آن بحث خواهیم کرد.

مطلب سوم این است که آیا نماز وتیره را ایستاده نیز می توان خواند یا اینکه واجب است حتما نشسته خوانده شود؟ .

اول عبارت عروه را می خوانیم، صاحب عروه اینطور فرموده : « و رکعتان بعد العشاء من جلوس تعدان برکعة، ویجوز فیهما القيام بل هو الأفضل، وإن کان الجلوس أحوط وتسمى بالوتيرة^۱ »، حواشی در اینجا زیاد است مثلا آقای خوئی فرموده : "فیه إشکال، بل الأظهر عدم جوازہ" یعنی اظهر آن است که نمی توان وتیره را ایستاده خواند.

آقای بروجردی در تبیان الصلاة در این رابطه فرموده واجب است که نماز وتیره نشسته خوانده شود چون نظر ما به فقه خیلی فرق می کند، فقه از اهل بیت علیهم

^۱ العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۴۴، ط جماعه المدرسین.

السلام و توسط فقهاء بزرگ ما در قرن های مختلف به ما رسیده، در مورد نماز وتیره تا زمان شهید اول تمام فقهاء ما داشتند که وتیره باید نشسته خوانده شود یعنی شهرت قدماء اینگونه بوده که خب آنها به زمان معصوم نزدیک تر هستند و در واقع فقه آنها أقرب به واقع می باشد و اما از شهید اول به این طرف فقه متحول شد و به مرور فتوای جواز ایستاده خواندن نماز وتیره صادر شد لذا آقای بروجردی فرموده : "و وجه وجوب الجلوس فیها هو اجماع الفقهاء علی وجوب الجلوس فی هذا الصلاة" البته این اجماع مدرکی می باشد و این وجوب جلوس تا زمان شهید اول بوده و قدما رسمشان اینگونه بوده که همان عبارت اخبار را به عنوان فتوا نقل می کردند کما اینکه در روایت ابی نصر که دیروز خواندیم و همچنین در خبر حسین بن یسار ذکر شده که وتیره باید جالسا خوانده شود و روایات دیگری نیز در این رابطه داریم من جمله خبری که صدوق از أعمش نقل کرده البته أعمش را بنده پیدا نکردم که چه کسی است، آقای بروجردی وقتی میدید که فقهاء و اصحاب به خبری عمل کرده اند دیگر به سند آن خبر توجهی نمی کرد.

یکی از نکات مهم این است که شما باید مبنای خودتان در حجیت خبر واحد را مشخص کنید، آقای خوئی مبنائی دارد که در مقابل مبنای دیگران می باشد، ایشان فقط به سند نظر دارد یعنی نگاه می کند اگر رجالی که در سلسله سند ذکر شده اند عادل و موثق بودند خبر صحیح است در غیر این صورت ضعیف است ولی امام رضوان الله علیه و آقای بروجردی و همچنین بنده قائلیم که ملاک اطمینان به صدور است و بناء عقلاء نیز همین است که اگر

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

اطمینان به صدور پیدا کنند خبر را حجت می دانند لذا اگر خبری ضعیف باشد ولی فقهاء و اصحاب به آن عمل کرده باشند به آن اطمینان می کنیم و بالعکس اگر خبری سندا صحیح باشد ولی فقهاء و اصحاب از آن اعراض کرده باشند به آن اطمینان نمی کنیم و آن را حجت نمی دانیم.

خبر دیگری که آقای بروجردی به آن برای وجوب نشسته خواندن نماز وتیره استناد کرده خبر ابی عبدالله قزوینی می باشد که در آن گفته شده دو رکعت نماز وتیره نشسته در واقع یک رکعت محسوب می شود.

آقای بروجردی می فرماید تا زمان شهید اول فتوای فقهاء ما همین بوده که وتیره باید نشسته خوانده شود، دو روایت دال بر این است که قیام در نماز وتیره جائز است بلکه افضل از قعود می باشد و عروه نیز تحت تاثیر همین قرار گرفته، خبر اول روایت حارث بن مغیره است که در آن نقل شده که حضرت باقر علیه السلام وتیره را نشسته می خوانده، البته در این خبری نکته ای وجود دارد و آن اینکه ذکر شده حضرت باقر علیه السلام بدین بوده یعنی مقداری چاق بوده، در شرح تجرید خواندید که پیغمبر و امام چه در بدن و چه در روح باید از هر صفتی که منقر است و مردم از آن تنفر دارند و آن را خوب نمی دانند و عیب و نقص محسوب می شود منزّه باشد.

آقای بروجردی بالاخره می فرماید روایاتی که بر خلاف این چیزی که ما گفتیم (وتیره باید نشسته خوانده شود) باشد مردود هستند زیرا اصحاب از آنها اعراض کرده اند و همین باعث ضعف آنها می شود.

بقیه بحث بماد برای فردا إن شاء الله تعالی... .